

اجتماع جهات تشدید مجازات با نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای حکم در قوانین کیفری افغانستان و ایران

زینب الهام^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه بین المللی اهل بیت

چکیده

مجازات به عنوان عکس العمل جامعه علیه مجرم و عامل بازدارنده تخلف در جامعه است. این واکنش همواره به عنوان واکنشی علیه اعمال مجرمانه و مشوقی برای ترک اعمال مجرمانه تلقی می گردد. اما باید توجه داشت که برای تحقق هدف مجازات باید به شخصیت و رفتار متهم توجه داشته و براین اساس مجازات تعیین نمود و نمی توان برای همه مرتکبان جرم مجازات یکسانی تعیین کرد. لذا به منظور تعدیل و متناسب سازی مجازات با شخصیت هر یک از بزهکاران، قانونگذاران در کشورهای مختلف در کنار جهات تشدید مجازات، امکان اعمال نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای حکم را نیز پیش بینی کرده است که توجه به این امر می تواند کمک شایانی در فرآیند اصلاح و بازپروری بزهکاران در مرحله بعد از تعیین کیفر تلقی گردد. به عبارت دیگر؛ امکان جمع این نهادها با یکدیگر در مرحله اجرای حکم، فرصت دوباره برای بازگرداندن بزهکار به جامعه و تلاش برای اصلاح وی می باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی بدین نتیجه می رسد که امکان اجتماع جهات تشدید مجازات با نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای حکم در کشور ایران نسبت به کشور افغانستان بیشتر مورد توجه مقنن قرار گرفته است. اما توسعه این امر می تواند روند اصلاح بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم را تسهیل بخشد. لذا لازم است که در قوانین کیفری کشورها نیز به این مسئله توجه کافی معطوف گردد.

واژه های کلیدی: جهات تشدید مجازات، نهادهای ارفاقی، اجرای حکم، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی

۱. مقدمه

کیفردهی فرآیندی است که با تحمیل مجازات بر مجرم به‌توان تخطی از قانون، سعی در کنترل خطرات احتمالی آینده از سوی وی دارد. تعیین کیفر برای یک جرم بر مبنای اصل تناسب صورت می‌گیرد که به‌موجب آن شدت کیفر باید متناسب با اهمیت رفتار مجرمانه بزهکار باشد.

بنابراین وقتی که رفتار مجرم، متضمن خطر جدی برای جامعه است قضات می‌توانند در تعیین کیفر از اصل تناسب جرم با مجازات عدول کرده و مجازات سنگین‌تری بر مجرم تحمیل کنند. روی دیگر این سکه آن است که با نرمی و مدارا با مجرم ممکن است عدالت و دفاع اجتماعی به‌نحو بهتری تامین شود.

به‌هرحال؛ نباید فراموش کرد که در فرآیند کیفری مجازات تنها نسبت به جرم اعمال نمی‌شود، بلکه این مجرم است که مجازات می‌شود. بنابراین اگر قرار است در این میان عدالت اجرا شود باید همان اندازه‌ای که به شدت جرم توجه می‌شود، وضعیت شخصی مجرم و اوضاع و احوال خاص موثر در ارتفاع به جرم نیز در نظر گرفته شود. این همان چیزی است که از آن با عنوان اجتماع نهادهای ارفاقی با جهات مشدده مجازات تعبیر می‌گردد. بدین‌صورت که یک مجرم در آن واحد هم از جهات تشدید و هم نهادهای ارفاقی برخوردار باشد که این موضوع در قوانین کیفری افغانستان و ایران مطرح می‌باشد و هر دو نهاد باید به‌گونه‌ای اجرا گردد که اهداف و کارکردهای هر دو نهاد تامین گردد. اما زمانی که اجرای این موضوع در مرحله اجرای حکم پیش می‌آید، مسئله صورت جدی‌تری به خود می‌گیرد. چرا که اجرای مجازات متناسب و توجه به شخصیت بزهکار در مرحله اجرای مجازات می‌تواند تاثیر بسزایی در امر اصلاح و بازپروری داشته باشد.

بنابراین پژوهش حاضر با استناد به مقدمات فوق‌الذکر درصدد بررسی و پاسخگویی به این سوال است که اجتماع جهات تشدید مجازات با نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای مجازات در حقوق کیفری افغانستان و ایران چگونه خواهد بود؟

۲. مفهوم جهات تشدید مجازات ها

تشدید در لغت به معنای استوار کردن، قوت دادن، گران نمودن، خلاف تخفیف، سختی نهادن بر کسی، تنگ گرفتن بر کسی و مانند آن آمده است. [۱] در حقوق جزا، اوضاع و احوالی است که هرگاه جرم در آن اوضاع و احوال واقع شود موجب تشدید مجازات می‌شود، مانند سرقت در شب یا با اسلحه.

یکی از نویسندگان در این خصوص بیان می‌دارد: «منظور از کیفیات مشدده اعمال وحالات است که برحسب مقررات قانون جزای هر کشور در تشدید مجازات بزه ار تکابی موثر می‌باشند.» [۲]

همچنین یکی دیگر از اساتید، کیفیات مشدده را نیز به همین مضمون آورده و بیان‌داشته « تشدید مجازات کیفیات و اوصافی است که قانونگذار تعیین کرده و دادرس به‌محض احراز آنها به حداکثر و یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد.» [۳]

بنابراین به‌طورکلی؛ کیفیات مشدده جرم عواملی هستند که در صورت وجود این موارد، خطر جرم و به دنبال آن مجازات جرم نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

۳. مصادیق جهات تشدید مجازات ها در حقوق کیفری افغانستان و ایران

۱،۳ تعدد جرم

هرگاه شخصی مرتکب جرایم مختلف و متعدد شده باشد؛ ولی جرایم مزبور کشف نشده و یا به هرنحوی مجرم نسبت به هیچ یک از آنها محکومیت قطعی نیافته باشد، تعدد جرایم مصداق پیدا می کند. گاهی شخصی با فعل واحد، قوانین متعدد جزایی را نقض می کند و گاهی با افعال متعدد قوانین متعدد جزایی را نقض می کند، اولی را تعدد اعتباری یا معنوی و دومی را تعدد واقعی می نامند. [۴]

تعدد جرم حالتی است که بزهکار یا جرایم فراوانی را در کنار هم یا با فواصل معین و غیرمعین انجام می دهد، بی آنکه هیچ یک از آنها به مرحله صدور حکم یا اجرا رسیده باشند و یا با عمل واحد چند عنوان مجرمانه را به عهده می گیرد و یا چند نتیجه از عمل واحد او ایجاد می شود.

این نهاد در کود جزای افغانستان در فصل هفتم با سرفصل «تعدد جرایم و تاثیر آن در جزاء» از مواد ۱۵۵ تا ۱۶۰ و در قانون مجازات اسلامی نیز از مواد ۱۳۱ تا ۱۳۵ به این نهاد اشاره شده است.

این جهت طبق کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی به دو قسم تعدد مادی و معنوی تقسیم شده است.

۱،۱،۳ تعدد مادی جرم

در تعدد مادی یا واقعی مرتکب اقدام به چند عمل مادی مستقل از همدیگر می کند به گونه ای که در فواصل ارتکاب جرم هیچ - حکمی در رابطه با جرم نخستین وی صادر نگردیده یا در صورت صدور، قطعیت نیافته است. به عنوان مثال فردی هم اقدام به جعل پول و هم تقلب اسناد دولتی می نماید بدون اینکه حکمی از سوی مقامات قضایی برای یکی از جرایم وی صادر گردیده باشد.

از دیدگاه حقوقدانان افغانستانی تعدد مادی جرم به سه دسته قابل تقسیم است:

- تعدد جرائم غیرمرتبط دارای اهداف متعدد؛ در این نوع تعدد، هر جرمی با رفتار مجرمانه خاص خودش ارتکاب می یابد و هر جرمی دارای عنصر مادی مستقل است و افزون بر این، این گونه جرایم هیچ ارتباطی با هم ندارند و مجرم در ارتکاب آنها هدف واحدی را دنبال نمی کنند بلکه در ارتکاب هر جرم هدف مستقلی را تعقیب می کنند. مانند اینکه شخصی به هدف انتقام گیری، دشمن خود را به قتل برساند و بعد از چند روز جرم دیگری که هیچ ارتباطی با جرم قبل ندارد، مرتکب شود.

- جرائم متعدد مرتبط دارای هدف واحد؛ در این نوع تعدد، هر جرمی دارای فعل مجرمانه خاص خود می باشد و مرتکب برای تحقق آنها افعال متعددی را ارتکاب می یابد اما باید توجه داشت که مجرم در ارتکاب این جرایم؛ هدف واحدی را تعقیب می - کند. یعنی این جرایم متعدد از انگیزه یکسانی ناشی می شود. مانند اینکه مأمور خدمات عامه سندی را تزویر (جعل) نماید تا بتواند مالی را اختلاس کند.

- جرایم مرتبط غیرقابل تجزیه؛ منظور از ارتباط غیرقابل تجزیه جرائم این امر می باشد که جرائم متعدد به گونه ای ارتباط استواری داشته باشد که در ظاهر مسئله جرم واحدی به شمار آید و ارتکاب برخی بدون ارتکاب دیگر قابل تصور نباشد؛

یعنی جرائم متعدد ناشی از یک برنامه مجرمانه یکسانی باشد که دخالت هریک مکمل این برنامه واحد است؛ مانند اینکه موظف (مأمور) خدمات عامه، ابتدا مالی را اختلاس نموده و سپس سندی را تزویر (جعل) کند تا اختلاس خویش را مخفی کند. در این مثال، جعل سند هدف اختلاس نیست؛ بلکه با اختلاس ارتباط دارد.

در خصوص این نوع از تعدد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی به بیان احکام آن پرداخته است. بر اساس این ماده اولاً؛ فعل مادی باید متعدد باشد. ثانیاً؛ جرم ارتكابی متعدد باشد اعم از اینکه جرم یکسان باشند یا متعدد. برای نمونه چند فقره سرقت یا یک فقره سرقت، یک مورد کلاهبرداری و یک مورد اختلاس مرتکب شده باشد.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که؛ تعدد مادی، واقعی یا حقیقی عبارت است از اینکه شخص، چند جرم جدای از هم را در زمان‌های متفاوتی مرتکب می‌شود، بدون اینکه یک محکومیت قطعی بین آنها فاصله شده باشد. اعم از اینکه مرتکب توانسته باشد با توسل به هر روشی خود را از تعقیب کیفری در امان نگه‌دارد یا اینکه ارتکاب جرایم متعدد در فاصله کوتاهی از هم، مانع تحت تعقیب قرار گرفتن وی در نتیجه صدور حکم محکومیت قطعی شده باشد.

۲،۱،۳ تعدد معنوی جرم

این نوع تعدد را تعدد اعتباری نیز می‌گویند که فعل واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد است. به عنوان مثال شخصی با امضای سند رسیدی به نام صاحب سند جعل و از بدهکار او وجه آن را دریافت می‌کنند؛ این کار از یک طرف از مصادیق جعل و از طرف دیگر از مصادیق کلاهبرداری است و یا این که فردی امضای یکی از مقامات رسمی را جعل نماید؛ از یک سو این عمل به عنوان جعل امضای مقام رسمی دولت مطرح است و از سوی دیگر عمل وی یکی از مصادیق دخالت در وظایف رسمی دولتی بدون داشتن سمت قانونی محسوب می‌گردد. [۵]

در خصوص این نوع از تعدد ماده ۷۶ کود جزای افغانستان مقرر می‌دارد: «هرگاه از ارتکاب فعل واحد، جرایم متعدد به وجود آید، مرتکب به جزای جرمی محکوم می‌گردد که جزای آن شدیدتر باشد. در صورتی که جزای پیش‌بینی شده مماثل هم باشند، محکمه به یکی از آنها حکم می‌کند.»

همچنین ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، تعدد معنوی را حالتی می‌داند که در آن رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌گردد.» در واقع؛ در تعدد معنوی، تعدد جرم وجود ندارد، بلکه جرم واحد است که باید وصف صحیح آن پیدا شود. برای نمونه می‌توان به جرم استعمال مشروبات الکلی در اماکن و معابر عمومی اشاره نمود که بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، مرتکب از باب تشدید مجازات به مجازات اشد محکوم می‌گردد.

۱،۲،۱،۳ تعدد نتیجه

مقصود از تعدد نتیجه آن است که بزهکار مرتکب یک عمل مجرمانه می‌گردد، اما از رفتار او چند نتیجه مجرمانه حاصل می‌شود. لذا در تعدد نتیجه رفتار ارتكابی مرتکب واحد است، اما نتایج حاصل از این رفتار، متعدد می‌باشد. در واقع؛ وحدت در رفتار ارتكابی و تعدد در نتایج مجرمانه وجود دارد. در این خصوص بند چ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: در صورتی که در جرایم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل گردد، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌گردد.

مثال بارزی که در این مورد می‌توان گفت این است که کسی با یک عبارت به دو نفر فحاشی کند یا شخصی عمداً با پرتاب نارنجک در یک پمپ بنزین موجب ایجاد حریق، قتل، تخریب و اخلاف در نظم گردد.

۲،۳ تکرار جرم

تکرار جرم از جمله کیفیات عام مشدده است. تکرار در لغت به معنای «دوباره و مکرر، عملی را دو یا چند مرتبه انجام دادن و بارها برگردانیدن چیزی» به کار رفته است. اما از لحاظ حقوقی تکرار جرم حالتی است که بر اساس آن مرتکب پس از ارتکاب یک جرم دستگیر و محاکمه شده و در حین تحمل مجازات یا پس از آن، مجدداً مرتکب جرم دیگری شود. [۶]

همچنین یکی از حقوقدانان در تعریف تکرار جرم بیان کرده‌اند: «تکرار جرم حالت مجرمی است که به خاطر ارتکاب جرم و بعد از اجرای حکم محکومیت جزایی قطعی قبلی مجدداً مرتکب جرم دیگری شده است.» [۷]

تکرار جرم حالت مجرمی است که سابقه محکومیت جزایی داشته باشد. علت تکرار جرم انس و آشنایی مجرم به ارتکاب جرم است. فضاقت حاصل از ارتکاب جرم موجب نفرت جامعه از مجرم و بزهکاری اوست و همین امر وی را به ارتکاب مکرر جرم سوق می‌دهد. علمای نوکلاسیک تشدید مجازات مرتکب تکرار جرم را مورد انتقاد قرار داده‌اند و از نظر عینی و نفسانی، آن را مخالف عدالت دانسته‌اند ولی با تکیه به مفهوم فایده اجتماعی، منفعت تشدید مجازات مرتکب تکرار جرم هویدا و آشکار می‌شود. [۸]

این نهاد در کودجزای افغانستان در فصل هفتم تحت عنوان «تکرار در جرم» به کار رفته است. در ماده ۷۹ این قانون، مقنن بیان داشته است:

«شخص زمانی مجرم متکرر شناخته می‌شود که به‌اثر ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم به جزا گردیده و بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت، مرتکب جنحه یا جنایت عمدی دیگری گردد.»

همچنین از دیدگاه مقنن افغانستانی تکرار جرم به دو شکل خاص و عام می‌باشد که ماده ۸۰ کود جزای افغانستان نیز بیانگر تکرار جرم خاص است. بنابراین در تعریف کلی از این دو نوع تکرار جرم می‌توان گفت که در تکرار جرم عام، ارتکاب جرایم متوالی از یک نوع برای تشدید مجازات ضروری و لازم نیست؛ اما در تکرار جرم خاص لازمه تشدید مجازات، ارتکاب جرایم از یک نوع می‌باشد، به‌عنوان مثال فردی مرتکب سرقت می‌شود و دو باره مرتکب سرقت شد، تکرار خاص نامیده می‌شود. [۹]

حال با عنایت به مواد قانونی ۷۹ تا ۸۳ کود جزای افغانستان می‌توان اوصاف زیر را برای تحقق تکرار جرم برشمرد:

۱. محکومیت سابق بزه‌کار قطعی شده باشد. لذا بر احکامی که غیرقطعی و قابل شکایت و تجدید نظر است از حیث تکرار جرم ترتیب اثر داده نمی‌شود.

۲. حکم محکومیت کیفری از دادگاه‌های افغانستان صادر شده باشد.

۳. قواعد مربوط به تکرار جرم نسبت به احکامی که از دادگاه‌ها درباره اطفال بزهکار صادر می‌شود، به اجرا گذاشته نمی‌شود.

۴. حکم محکومیت قبلی باید از حیث ماهیت بازدارنده یا تعزیری باشد. بنابراین محکومیت قبلی به مجازات‌هایی، همچون حدود یا قصاص در تشدید مجازات جدید مؤثر نیست.

۵. حکم محکومیت کیفری باید لزوماً به اجرا درآمده باشد.

۶. اگر موجباتی مانند عفو عمومی و یا نسخ قانون محکومیت قبلی را محو یا آثار آن را بزدايد، چون ديگر محکوميتی وجود ندارد و يا هيچ گونه اثر کيفری بر آن مترتب نيست قواعد تکرار جرم شامل تکراری نخواهد شد.

در خصوص مجازات تکرار جرم، قانونگذار به دادگاه اختيار داده است تا در صورت لزوم، مجازات تعزیری تکرارکنندگان جرم را تشديد کند. تشخيص لزوم تشديد مجازات و نيز مقدار آن به عهده دادگاه گذاشته شده است. حال قانونگذار افغانستان، موارد تکرار جرم را در کودجزاء پيش بينی نموده است؛ اما برخلاف گذشته که مجازات تکرار جرم را به طور مستقل بيان نکرده نبود و مجازات با توجه به بخش عمومی تعيين می گردید در اصلاح کود جزا در سال ۱۳۹۶ در ماده ۸۳ به بيان مجازات متکرر جرم پرداخته است. اين ماده مقرر می دارد:

مجرم متکرر به مجازات ذیل محکوم می گردد:

۱. در جرایم تکرار خاص؛ مرتکب به مجازاتی که از دو برابر حداکثر مجازات اصل جرم، بیشتر نباشد.

۲. در جرایم متکرر عام؛ مرتکب به مجازات حداکثر یک و نیم برابر مجازات اصل جرم.

همچنین در قانون مجازات عمومی ایران مختصات تکرار جرم عبارت است از موقتی بودن آثار آن، عام بودن آن، اجباری بودن آن، تصاعدی بودن آن و عطف بماسبق شدن قواعد مربوط به آن. همچنین شرایط تشديد مجازات تکرار جرم در مورد پیشینه کيفری عبارت است از قطعیت محکومیت، انقضاء مدت مجازات، عمومی بودن جرم و محکومیت بر طبق دادنامه صادره از دادگاه ایرانی.

تشديد مجازات تکرار جرم منوط است به اینکه ارتکاب جرم اخير در مدت معینی باشد و همچنین میزان تشديد بسته به اين است که سابقه کيفری تا سه فقره يا بیشتر از آن باشد. بنابراین کسی را مرتکب تکرار جرم گویند که سابقه محکومیت جزایی داشته باشد.

بنابراین نهاد تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی در فصل ششم تحت عنوان «تکرار جرم» از مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ مورد اشاره قرار گرفته است. بر اساس مقررات این فصل در صورت احراز شرایط تکرار جرم، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

۳,۳ سردستگی (سازمانده)

گاهی مباشر فعل مجرمانه تنها یک شخص نیست. بلکه ارتکاب جرم به شیوه سردستگی گروه مجرمانه به صورت سازمان یافته به سرپرستی یک یا چند نفر انجام می شود و سردسته یا رئیس گروه نقشه فعل مجرمانه را طراحی کرده و بستر را برای انجام جرم ایجاد می کنند و سه یا چند نفر تحت سردستگی این شخص افعال مجرمانه انجام خواهند داد. این افراد به عنوان زیر دست و جیره گیر سردسته مرتکب جرم خواهند شد. در این خصوص کود جزای افغانستان در ماده ۶۰ به تعریف سازمانده پرداخته و مقرر می دارد: «سازمانده شخصی است که گروه سازمان یافته جرمی را تشکیل، رهبری، هدایت یا سازماندهی نماید.»

همچنین مقنن در ادامه و ذیل ماده ۶۱ در تعریف گروه سازمان یافته بیان می دارد: «گروه سازمان یافته جرمی عبارت است از تشکل نسبتاً منسجم سه نفر یا بیش از آن، که به صورت منظم به هدف ارتکاب یک یا چند جرم، جنایت یا جنحه، جهت حصول مستقیم یا غیرمستقیم منفعت فعالیت نماید.»

تشکیل گروه‌های منسجم و ارتکاب جرم در قالب سردستگی به‌عنوان خطرناک‌ترین شکل ارتکاب جرم می‌باشد که در حقوق داخلی کشورها نیز دقت زیادی را از سوی مقنن به خود معطوف داشته و منجر به سخت‌گیری در مجازات آن شده است.

در خصوص سردستگی تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی به تعریف سردستگی پرداخته و مقرر داشته است: «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.»

در این تبصره منظور از طراحی؛ تعیین ساختار گروه مجرمانه است اما تشکیل گروه مجرمانه عبارتست از: تاسیس و ایجاد گروه مجرمانه که از طریق ایجاد گروه مجرمانه و عضوگیری صورت می‌گیرد. لذا عضوگیری در صورتی که منتهی به تشکیل گروه مجرمانه نگردد و گروه قبلی را گسترش دهد، از مصادیق سردستگی نمی‌باشد. [۱۰]

همچنین سازماندهی به معنای آن است که وظایف هر عضوی در گروه مشخص و معین شود. در این راستا با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای هر عضوی، وظایف گروه مجرمانه فی مابین آنان تقسیم می‌شود. اداره کردن نیز به معنای نظارت کردن بر عملکرد سایر اعضای گروه و ارائه راهکارهای لازم در جهت بهبود امور است.

با توجه به تشدید مجازات سردهسته بند ۲ ماده ۶۰ کود جزای افغانستان مقرر می‌دارد: «سازمانده به یک و نیم برابر حداکثر مجازات جرم مرتکبه محکوم می‌گردد. مشروط بر اینکه مدت حبس از سی سال تجاوز ننماید.»

همچنین ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی درباره تشدید مجازات سردهسته بیان می‌دارد: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردهسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم گردد.»

سردهسته به عنوان مغز متفکر در ارتکاب جرم می‌باشد که ضمن زدودن، قباحات عمل مجرمانه در سایر مداخله‌کنندگان انگیزه ارتکاب می‌نماید و همین موضوع، زمینه تشدید مجازات وی را فراهم می‌کند.

۴. نهادهای ارفاقی مرحله اجرای حکم

۱،۴ آزادی مشروط

نهاد آزادی مشروط نسبت به محکومین به حبس تعزیری قابلیت اعمال دارد که در مدت زمان اجرای حبس از خود شایستگی و حسن اخلاق نشان داده‌اند و این شایستگی نیز باید در قالب رعایت دستورات دادگاه و عدم تکرار جرم در زمان معین هنگام اجرای آزادی مشروط ادامه داشته باشد تا به آزادی نهایی منتهی شود، به تعبیر دیگر نشان داده‌اند که تاثیر مثبت حبس آنها را اصلاح نموده و در مقابل با توجه به اهدافی که برای این نهاد در نظر گرفته شده، از جمله کاهش جمعیت زندان، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی و ... این امتیاز به آنها اعطا شده که باقی مانده حبس خود را به صورت مشروط در بیرون از زندان به‌سربرند.

یکی از نویسندگان آزادی مشروط را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «عبارت از آزادی پیش از موعد زندانی محکوم به حبس تعزیری توسط دادگاه صادرکننده حکم است مشروط به رعایت دستورات دادگاه و خودداری از ارتکاب مجدد جرم در مدت معین» [۱۱]

البته در خصوص تعریق فوق‌الذکر لازم به ذکر است که آزادی پیش از موعد منوط به صرف رعایت دستورات دادگاه نبوده و لازمه اصلی این آزادی، حصول اصلاح و تغییرات مثبت در اخلاق شخص محکوم می‌باشد.

این نهاد ارفاقی، در حقیقت یک تدبیر مدیریتی چند وجهی یا چند منظوره است که از یک سو به اداره زندان کمک می‌کند؛ زیرا زندانی برای بهره‌مند شدن از آن تلاش می‌کند که در طول مدت تحمل کیفر حبس، از خود حسن خلق نشان دهد و از سوی دیگر، یک تدبیر تامینی برای آینده جامعه و تلاش برای پیشگیری از تکرار جرم است؛ به ویژه آنکه در مدت آزادی مشروط، فرد آزاد شده نباید مرتکب جرایم یا تخلفات مورد نظر مقنن گردد. به علاوه همزمان از تداوم پیامدهای منفی و آثار زیانبار زندان جلوگیری کرده محکوم علیه را به پذیرش مجدد اجتماعی امیدوار می‌سازد.

البته برای استفاده از نهاد آزادی مشروط و قیودی لازم است رعایت شود که در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده است.

بنابراین آزادی مشروط؛ آزادی است که قبل از تمام شدن دوره محکومیت به برخی از محکومان داده می‌شود تا در صورت رعایت شروط دادگاه، مابقی مجازات خود را در زندان نباشند.

۲.۴ نظام نیمه آزادی

حبس به منزله پرکاربردترین مجازات در نظام‌های کیفری بوده و همین کاربرد سبب شده که مورد توجه نظریه‌پردازان از جهت نفع و آسیب قرار گیرد. اما مسلم است که آسیب‌های حاصل از این نوع مجازات شدیدتر بوده و برای اینکه از خسارات این مجازات کاسته شود نهادهایی با رویکردی روزآمد پیش بینی شده که این نهادها درصدد آن هستند تا با اقدامات نوین بر ویژگی مثبت زندان بیفزایند تا نتیجه آن سود برای فرد مرتکب، خانواده وی و جامعه حاصل گردد.

ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف این نهاد ارفاقی مقرر می‌دارد: «نظام نیمه آزادی شیوه ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد.»

همچنین یکی از نویسندگان در تعریف این نهاد این‌گونه بیان نموده‌اند: «نظام نیمه‌آزادی نوعی نظام اجرای مجازات‌های سالب آزادی است که به محکوم اجازه می‌دهد در طول روز خارج از محیط زندان و بدون نظارت مأمورین در شرایط طبیعی به‌منظور ورود آینده‌اش به جامعه به یک فعالیت آموزشی، حرفه‌ای یا درمانی مشغول شود و پس از اتمام کار و ساعت تحصیل و همچنین در ایام بیکاری به زندان بازگردد» [۱۲]

شرایط لازم برای اعمال نظام نیمه آزادی در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است.

۳.۴ قرارداد محکوم تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک

نهاد نظارت تحت سامانه‌های الکترونیکی یکی دیگر از نهادهای ارفاقی‌آمیز که مانند آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی مختص حبس‌های تعزیری است که عمده هدف آن کاهش جمعیت زندانیان و صرفه‌جویی در بودجه می‌باشد. در مورد این نهاد قانون تعریفی ارائه نداده‌است و در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی صرفاً به بیان حبس‌هایی که می‌توانند از این نهاد بهره ببرند و شرایط اعمال آن پرداخته است.

یکی از پژوهشگران در تعریف این نهاد بیان کرده‌اند: «حبس الکترونیکی یا نظارت الکترونیکی به‌نوعی از کنترل مجرمان گفته می‌شود که در آن شخص مجرم در یک محدوده مشخص و محدود در ارتباط با خانواده نگهداری می‌شود و با استفاده از تجهیزات الکترونیکی نظیر دستبند هشداردهنده رفتارهای او کنترل می‌شود» [۱۳]

همچنین یکی از حقوقدانان مقرر نموده‌اند: «نظارت الکترونیکی به معنای کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان است.» [۱۴] البته نکته قابل توجه این است که اگرچه این نهاد در زیرمجموعه آزادی-مشروط آمده اما ارتباط با مقررات آن ندارد، بلکه تاسیس حقوقی جدیدی برای اجرای مجازات حبس می‌باشد. شرایط اعمال نهاد نظارت تحت سامانه‌های الکترونیک در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.

بنابراین می‌توان گفت که: نظارت الکترونیکی به معنای تحت مراقبت قرار دادن شخص در محدوده معین با استفاده از ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی به‌منظور تضمین حضور به‌موقع متهم نزد مراجع قضایی یا به‌عنوان یکی از جایگزین‌های مجازات حبس یا ابزار اعمال نظارت و کنترل تردد اشخاص با رعایت حریم خصوصی در سایر موارد قانونی می‌باشد.

۵. نحوه اجتماع جهات تشدید مجازات با نهادهای ارفاقی مرحله اجرای حکم

۱.۵ اجتماع جهات تشدید مجازات با آزادی مشروط در مرحله اجرای حکم

در برخی اوقات و در اغلب موارد مجرم پس از گذراندن مدت زمانی از مجازات حبس تنبیه شده و با رفتار خوبی که از خود نشان می‌دهد آمادگی خود را برای بازگشت به آغوش دوباره اجتماع اعلام می‌دارد به همین دلیل است که تحت تأثیر اندیشه-های مکاتب جدید حقوق جزا فکر آزادی مشروط زندانیان به‌وجود آمده و قانونگذاران کشورهای مختلف از این فکر پسندیده استقبال کرده‌اند. اعطای آزادی (رهایی) مشروط نوعی آزادی است که از پایان دوره محکومیت به محکومان به حبس داده می‌شود تا چنانچه در طول مدتی که محکمه تعیین می‌کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای محکمه را کاملاً اجرا کنند، از آزادی مطلق برخوردار شوند این اقدام در جهت اصلاح متخلف و بزهکار آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد. [۱۵] به عبارت دیگر؛ آزادی (رهایی) مشروط یکی از عوامل کارآمد در تشویق زندانی‌ها به اصلاح رفتار محسوب می‌شود و در ایجاد انگیزه برای اصلاح و تربیت زندانی‌ها نیز بسیار مؤثر و پرفایده است.

لذا آزادی (رهایی) مشروط یکی از مراحل اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی نیز محسوب می‌شود و جدای از آنکه آزادی (رهایی) مشروط موجب کاهش جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های تحمیلی بر دولت می‌گردد، تأثیر بسیار مثبتی نیز بر عملکرد و زندگی زندانی و خانواده‌اش می‌گذارد و بر همین اساس او در راستای تغییر رفتار، برای ورود به اجتماع تلاش خواهد کرد. [۱۶] این نهاد در ماده ۵۸ الی ۶۳ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.

اما در خصوص اجتماع جهات تشدید مجازات مانند تعدد جرم، تکرار جرم و سردستگی با آزادی مشروط به‌نظر می‌رسد که در این خصوص منع قانونی وجود ندارد. چرا که در هیچ ماده‌ای به این مسئله که وجود جهات تشدید مانع از اعمال آزادی مشروط است، اشاره نشده است. لذا در این خصوص ابتدا جهات تشدید اعمال و بر اساس مقررات مربوطه مجازات محکوم تعیین و سپس در صورت احراز شرایط ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال و سایر موارد اعمال می‌شود.

همچنین به این نهاد ارفاقی در فصل هشتم قانون اجراءات جزایی افغانستان مصوب ۱۳۹۳ در مواد ۳۳۴ الی ۳۴۲ اشاره شده است. بر اساس ماده ۳۳۴ اعمال نهاد رهایی مشروط نیازمند احراز شرایطی از قبیل گذراندن نصف یا ثلث مدت محکومیت، داشتن حسن رفتار در مدت حبس گذرانده شده و بعد از آن، امکان اصلاح محکوم علیه، عدم سابقه استفاده از آزادی مشروط و حسن اخلاق و رفتار در مدت زندان می باشد.

بنابراین با بررسی شرایط اعمال نهاد ارفاقی رهایی مشروط، مسلم است که این نهاد در مورد اشخاصی قابل اعمال است که ظرفیت اصلاح پذیری داشته باشند و کمتر برای جامعه خطرناک هستند. لذا محرومیت محکومان از این نهاد به صرف وجود جهات تشدید مجازات، علیرغم سکوت مقنن منطقی نیست. چرا که اساساً هر شخص فقط یک بار می توان از این نهاد استفاده کند.

لذا برای اعمال این نهاد در فرض اجتماع با جهات تشدید مجازات بر اساس ماده ۲۱۱ قانون جزای افغانستان به نظر می رسد که اگر مجازات محکوم حبس باشد، مجازات وی تشدید و سپس بر اساس ماده ۳۳۴ قانون اجراءات در صورت تحمل نصف در حبس بیش از ده سال و یا تحمل یک سوم در سایر موارد و با احراز شرایط لازم امکان اعمال نهاد رهایی مشروط وجود دارد.

۲.۵ اجتماع جهات تشدید مجازات با نظام نیمه آزادی در مرحله اجرای حکم

امروزه و در اثر تحولات مکاتب مختلف حقوق کیفری، شاهد عزیمت از مجازات های ثابت و سخت به مجازات های متغیر و منعطف می باشیم. نمونه بارز این تحول، نظام نیمه آزادی است که به کارگیری موثر آن می تواند از بسیاری آثار سوء کیفر حبس پیشگیری نماید و خط مشی سیاست کیفری را از نظامی سزاگرا به سمت نظامی آینده نگر تغییر دهد که مبتنی بر منافع اصلاحی اعمال ضمانت اجراهای کیفری است.

این نظام که برای اولین بار در قوانین کیفری کشور وارد شده است - طبق ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی جدید، شیوه ای است که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود. [۱۷]

حال سوال این است که در صورتی که مرتکب دارای جهات تشدید مجازات اعم از تعدد جرم، تکرار جرم یا سردستگی باشد، در صورت احراز شرایط امکان اعمال نظام نیمه آزادی در مورد وی وجود دارد؟

در این خصوص باید گفت که با توجه به اینکه در فصل هفتم قانون مجازات اسلامی که به بیان مقررات نظام نیمه آزادی پرداخته، محدودیتی بیان نشده است. لذا در این خصوص ابتدا مقررات تشدید اعمال و سپس مجازات مرتکب تعیین می گردد و سپس در صورتی که مجازات وی حبس درجه پنج الی هفت باشد به طور مطلق و با احراز شرایط و در خصوص حبس های درجه دو الی چهار منوط به گذراندن یک چهارم مدت حبس و احراز شرایط می باشد. البته باید دقت داشت که در نظام حقوق کیفری ایران تحت هیچ شرایط اعمال نظام نیمه آزادی در حبس های تعزیری درجه ۱ و ۸ ممکن نیست.

حال با توجه به قوانین کیفری افغانستان از جمله قانون جزای و قانون اجراءات این کشور، علیرغم پذیرش رویکرد اصلاح و بازپروری در قوانین این کشور، نظام نیمه آزادی مورد پیش بینی قرار نگرفته است. در حالیکه حبس محکومی که شرایط اصلاح

و بازپروری در وی فراهم شده و می‌تواند ضمن گذراندن دوره محکومیت، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی و... انجام دهد، منطقاً بی‌فایده است.

۳,۵ اجتماع جهات تشدید مجازات با نظارت الکترونیکی در مرحله اجرای حکم

از دهه ۱۹۶۰ میلادی تاکنون عقاید فراوانی علیه مجازات حبس ابراز شده است، از همین‌رو برای برون رفت از معایب زندان-گرایی و توسل بیش از حد مجازات حبس، به‌تدریج جایگزین‌هایی برای مجازات حبس در سیاست جنایی کشورهای جهان از جمله ایران و افغانستان به‌رسمیت شناخته شد که از جمله آنها آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی یا به‌طور مختصر نظارت الکترونیکی است.

در نظارت الکترونیکی، بعد استفاده از فناوری یک ویژگی متمایزکننده در قیاس با دیگر پاسخ‌های کیفری است. در این تدبیر، محکومان از سوی دستگاه‌ها یا فناوری‌های ارسال فرکانس‌رادیویی در اجتماع و محل‌زندگی خویش محدود و تحت نظارت قرار می‌گیرند. [۱۸]

این نهاد در قانون مجازات اسلامی به موجب ماده ۶۲ اشاره شده است که در حبس‌های تعزیری درجه ۵ الی ۸ در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی^۱ در حبس‌های تعزیری درجه ۲ الی ۴ علاوه بر وجود شرایط فوق‌الذکر، منوط به گذراندن یک چهارم مدت حبس می‌باشد.

حال سوالی که در این بند مطرح می‌گردد این است که آیا اجتماع جهات تشدید مجازات مانند تعدد جرم و... مانع از اعمال نظارت الکترونیکی می‌باشد؟ در صورت منفی بودن پاسخ؛ نحوه جمع این دو جهت به چه شیوه‌ای خواهد بود؟

به‌نظر می‌رسد، با توجه به نص ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی که احراز جهات تشدید مجازات، مانعی برای اعمال نظارت الکترونیکی ذکر نشده است. لذا امکان اجتماع جهات تشدید مجازات با نهاد ارفاقی نظارت الکترونیکی ممکن است. در این حالت برای تحقق هدف اصلاح و بازپرورانه نظارت الکترونیکی بهتر است ابتدا مجازات تشدید و سپس در صورت امکان نظارت الکترونیکی اعمال گردد. چرا که اولاً برای اعمال نظارت الکترونیکی باید درجه حبس تعزیری مشخص باشد. ثانیاً با اعمال ابتدایی نظارت الکترونیکی، تشدید مجازات بعد از آن بی‌مفهوم بوده و اساساً منافی هدف اعمال این نهاد می‌باشد.

حال با توجه به اینکه امروزه هدف عمده اغلب نظام‌های جزایی از اعمال مجازات، علاوه بر تنبیه مجرم، تأکید بیشتر بر اصلاح و فراهم‌آوردن زمینه بازگشت موفقیت‌آمیز او به جامعه آزاد است. بنابراین، به‌منظور جلوگیری از آثار زیان‌بار مجازات حبس، جایگزین‌های مناسب به‌جای زندان و حذف تدریجی یا کاهش آن، وارد سیستم‌های جزایی کشورها گردیده است. سیاست-

^۱ ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی - تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر

ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی

پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی

ت- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور

گذاران جنایی، در تدوین کودجزا در افغانستان نیز در راستای زندان‌زدایی و منع استفاده بی‌رویه از آن اقداماتی نموده‌اند و نهادهای ارفاقی نیز در این زمینه پیش‌بینی نموده‌اند. اما نکته‌ای که در بررسی قانون جزای افغانستان و نیز قانون اجراءات افغانستان قابل استنباط است این نکته می‌باشد که در قوانین کیفری این کشور، نظارت از طریق سامانه‌های الکترونیکی (نظارت الکترونیکی) پیش‌بینی نشده است و همین مسئله می‌تواند به‌عنوان ضعف سیستم حقوقی این کشور تلقی گردد. چرا که با توسعه و پیشرفت حاکم بر جوامع به‌نظر می‌رسد که فاصله‌گرفتن از مجازات سنتی حبس به‌شیوه محرومیت از آزادی و ارتباط با محیط بیرون ضروری می‌باشد که یکی از تدابیر این مسئله بهره‌گیری از نظارت الکترونیکی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از ابتدای تشکیل جوامع بشری، جرم پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر بوده است. به‌تبع وجود جرم در جامعه در اقسام مختلف آن، اعمال کیفر یکی از ابتدایی‌ترین پاسخ‌ها نسبت به جرم بوده است. اما پس از گذشت قرن‌ها یافته‌های بشری به این مطلب دست یافت که پاسخ‌ها نسبت به جرم محدود به مجازات نمی‌باشند و می‌توان از تاسیس‌های کنشی نیز استفاده کرد. بازپروری و یا اصلاح و درمان بزهکاران یکی از تاسیس‌هایی می‌باشد که در واکنش به مجرم قابلیت استفاده دارد و می‌تواند نظام عدالت کیفری را در رسیدن به اهداف خود یاری کند؛ لذا در سیستم‌های حقوقی کشورها، با توجه به یافته‌های جرم‌شناسی بدین نتیجه رسیدند که مجازات و تنبیه صرف و بدون توجه به دلایل ارتکاب جرم و ویژگی‌های مجرمین کافی نبوده و نمی‌توان با اتخاذ سیاستی یکسان همه مجرمین را به‌شیوه یکنواخت کیفردهی کرد؛ بلکه لازم است که با توجه به اصل فردی‌کردن مجازات‌ها، عمل شود.

بنابراین در راستای این طرز تفکر، نهادهای ارفاقی و نیز جهات مشدده مجازات در قوانین کشورها از جمله افغانستان و ایران پیش‌بینی شده‌اند که در هر پرونده، با توجه به جرم ارتکابی و نیز شخصیت مجرم اتخاذ و اعمال می‌گردد. اما مسلم است که یک فرد ممکن است در زمان واحد از جهات مشدده و نهادهای ارفاقی برخوردار باشد که با عنوان اجتماع جهات تشدید و نهادهای ارفاقی شناخته می‌شود. در این موارد، باید در زمینه اعمال این جهات به‌گونه‌ای تصمیم گرفته شود که اهداف هیچ یک از جهات نادیده گرفته نشده و درباره بزهکار نیز مجازاتی متناسب اتخاذ و اعمال گردد؛ زیرا هدف اصلی هر یک از نهادهای ارفاقی و نیز جهات تشدید اصلاح و بازاجتماعی کردن بزهکار می‌باشد. البته اهمیت این اجتماع زمانی آشکار می‌گردد که در مرحله اجرای این دو نهاد با یکدیگر اجتماع نمایند. نمونه بارز این مسئله، اجتماع جهات تشدید مجازات با نهادهای ارفاقی آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی و تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی می‌باشد.

لازم به ذکر است که با دقت در قوانین کیفری افغانستان و ایران به نظر می‌رسد که مصادیق نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای حکم در حقوق کیفری ایران از تنوع بیشتری نسبت به حقوق کیفری افغانستان برخوردار می‌باشد. اما به هر حال اجتماع جهات تشدید مجازات و نهادهای ارفاقی قابل اعمال در مرحله اجرای حکم با یکدیگر ممکن بوده و در این صورت منطقی‌تر این است که ابتدا مجازات تشدید و سپس بر اساس نهادهای ارفاقی مجازات تعدیل گردد.

منابع

۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ص ۴۹۳
۲. شامبیانی، هوشنگ (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ص ۱۹۲
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ بیست و هفتم، انتشارات میزان، تهران، ص ۱۷۰
۴. بسامی، مسعود (۱۳۹۵). تعدد جرم، چاپ سوم، انتشارات خرسندی، تهران، ص ۵۸
۵. کریمی، رضا (۱۳۹۶). تشدید مجازات از نگاه فقه امامیه، حنفیه و حقوق ایران و افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، ص ۸۷
۶. میرزایی، محمدرضا (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی تعدد جرم در حقوق کیفری ایران و افغانستان، دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره شانزدهم، ص ۲۶
۷. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵). بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، تهران، ص ۲۱۶
۸. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، تهران، ص ۲۹
۹. جمعی از حقوقدانان افغانستان (۱۳۹۸). شرح کود جزا، جلد اول، چاپ اول، انتشارات بنیاد آسیا، تهران، ص ۹۷
۱۰. Abadinsky, Howard (۲۰۰۴), Organized Crime, fourth edition, Chicago.p193
۱۱. زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران، ص ۶۴
۱۲. شمس ناتری، محمدابراهیم و همکاران (۱۳۹۶). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، انتشارات میزان، تهران، ص ۱۹۰
۱۳. قارونی، سیدمحمدباقر (۱۴۰۰). مجازات ها و نهادهای ارفاقی در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات جنگل، تهران، ص ۴۵۴
۱۴. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۴). نظارت الکترونیکی بر بزهکاران، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۷، شماره اول، ص ۱۲۰
۱۵. غلامی، حسین (۱۳۸۰). ارزیابی جرم شناختی دو نهاد حقوق کیفری؛ تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، سال سوم، شماره پنجم، ص ۷۱
۱۶. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۸). بایسته های حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات جنگل، تهران، ص ۶۱
۱۷. شاملو، باقر؛ پاک نیت، مصطفی (۱۳۹۴). افتراقی شدن سیاست کیفری در پرتو پارادایم اثباتی و چالش های پیش روی آن در برخورد با رویکردهای نوین، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، ص ۲۱۹
۱۸. تدین، عباس (۱۳۸۷). نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزین زندان، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، ص ۵۹

The combination of aggravating factors of punishment with leniency institutions in the stage of sentence execution in the criminal laws of Afghanistan and Iran

Abstract

Punishment is a reaction of society against the deviance of the criminal and a deterrent to crime in society. This reaction is always considered as a reaction against criminal acts and an incentive to abandon criminal acts. However, it should be noted that in order to achieve the goal of punishment, attention must be paid to the personality and behavior of the accused and punishment must be determined on this basis, and the same punishment cannot be determined for all perpetrators of crimes. Therefore, in order to adjust and adapt the punishment to the personality of each criminal, legislators in different countries, in addition to the aspects of intensifying the punishment, have also foreseen the possibility of applying leniency institutions in the stage of executing the sentence, which can be considered a significant help in the process of reforming and rehabilitating criminals in the stage after determining the punishment. In other words, the possibility of bringing these institutions together in the stage of executing the sentence is another opportunity to return the criminal to society and try to reform him. The present study, using a descriptive-analytical method, concludes that the possibility of combining the aspects of aggravating punishment with the institutions of reconciliation during the execution of the sentence has received more attention from the legislator in Iran than in Afghanistan. However, the development of this matter can facilitate the process of reforming the offender and preventing recidivism. Therefore, it is necessary that sufficient attention be paid to this issue in the criminal laws of countries.

Keywords: aggravating factors of punishment, leniency institutions, sentence execution, conditional release, semi-liberty system